

اولین همایش بین المللی میراث مشترک ایران و عراق



تألیف و تدوین: دکتر علی میراثی
پروژه اولین همایش بین المللی میراث مشترک ایران و عراق
ایران قم



مجموعه مقالات

اولین همایش بین‌المللی میراث مشترک ایران و عراق

(دفتر پانزدهم)

سرشناسه: همایش بین‌المللی میراث مشترک ایران و عراق (نخستین: ۱۳۹۳: تهران و غیره)
عنوان و نام پدیدآور: مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی میراث مشترک ایران و عراق / تهیه و تنظیم
دبیر خانه اولین همایش بین‌المللی میراث مشترک ایران و عراق. به کوشش سیدصادق حسینی اشکوری.
مشخصات نشر: قم: مجمع ذخائر اسلامی: مؤسسه آل‌البیت (علیه‌السلام) لایحیاء التراث، ۲۰۱۵ م. = ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ج.: مصور.

دوره. ISBN 978-964-988-760-9

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: بخشی از کتاب عربی است.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: ایران — روابط فرهنگی — عراق — کنگره‌ها

موضوع: عراق — روابط فرهنگی — ایران — کنگره‌ها

موضوع: ادبیات فارسی

موضوع: ادبیات عربی

شناسه افزوده: حسینی اشکوری، سیدصادق، ۱۳۵۱ -.

شناسه افزوده: همایش بین‌المللی میراث مشترک ایران و عراق (نخستین: ۱۳۹۳: تهران، قم و غیره). دبیرخانه

شناسه افزوده: مؤسسه آل‌البیت (علیه‌السلام) لایحیاء التراث (قم)

رده بندی کنگره: DSR ۱۳۹ / ۴ع ۱۳۹۳ ج

رده بندی دیویی: ۲۲۷/۵۵۰۵۶۷

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۴۷۵۵۰

مجموعه مقالات

اولین همایش بین‌المللی

میراث مشترک ایران و عراق

(دفتر پانزدهم: ادبیات کلاسیک)

تهیه و تنظیم:

دبیرخانه اولین همایش بین‌المللی میراث مشترک ایران و عراق

به کوشش:

سیدصادق حسینی اشکوری

نشر مجمع ذخائر اسلامی

باهمکاری مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام) لإحياء التراث

۱۳۹۴ ش / ۱۴۳۶ ق / ۲۰۱۵ م

نشر مجمع ذخائر اسلامی
با همکاری مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث
۱۳۹۴ ش / ۱۴۳۶ ق / ۲۰۱۵ م

کلیه حقوق این اثر تحت قانون کپی رایت بوده و ترجمه یا چاپ تمام یا بخشی از مطالب آن و نیز درج تمام یا بخشی از آنها در ضمن بانکهای اطلاعاتی و تهیه برنامه‌های رایانه‌ای یا استفاده مطالب و تصاویر در اینترنت و دیگر ابزار و ادوات، به هر نحوی، بدون اجازه قبلی ناشر بصورت کتبی، ممنوع می‌باشد.

© MAJMA AL-DAKAAIR AL-ISLAMYYAH 2015

All rights reserved No part of this book may be reproduced or translated in any form by print internet photo print microfilm CDs or any other means without written permission from the publisher



مجموعه مقالات

اولین همایش بین المللی میراث مشترک ایران و عراق
تهیه و تنظیم: دبیرخانه اولین همایش بین المللی میراث مشترک ایران و عراق
به کوشش: سیدصادق حسینی اشکوری

طرح جلد: هادی معزی / صفحه آرا: محمد صادقی
ناظر چاپ: محمد صادق زارع / چاپ: ظهور / صحافی: نفیس

نشر: مجمع ذخائر اسلامی
با همکاری مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۴ ش / ۱۴۳۶ ق / ۲۰۱۵ م
شابک دوره: ۹-۷۶۰-۹۸۸-۹۶۴-۹۷۸

ارتباط با ناشر

قم: خیابان طالقانی (آذر)، کوی ۲۳، پلاک ۱، مجمع ذخائر اسلامی
تلفن: ۰۹۸۲۵۲۷۷۱۳۷۴۰ دورنگار: ۰۹۸۲۵۲۷۷۰۱۱۱۹ همراه: ۰۹۱۲۲۵۲۴۳۳۵

نشانی پایگاه‌های اینترنتی:

www.zakhair.net

www.mzi.ir

info@zakhair.net

info@mzi.ir



فهرست مطالب..... صفحه

دفتر پانزدهم: ادبیات کلاسیک

حماسه کربلا در سوگنامه شریف رضی و کسائی مروزی	۱۵
چکیده	۱۵
مقدمه	۱۷
قصیده کسائی با مطلع	۱۸
قصیده سید رضی با مطلع	۱۸
وضع شیعه در ایران و عراق	۱۹
کسائی مروزی	۲۰
شعر کسائی	۲۰
مرثیه در شعر کسائی	۲۱
سید رضی	۲۱
رثاء در دیوان شریف رضی	۲۲
مقایسه کلی دو مرثیه	۲۲
الف) سوگنامه کسائی در یک نگاه	۲۲
ب) سوگنامه سید رضی در یک نگاه	۲۳
بررسی و تطبیق دو قصیده	۲۳
۱) وجوه اشتراک	۲۳
۵-۱ اندوه بی پایان کربلا	۲۶

۲۷	۲) وجوه افتراق.....
۳۴	نتیجه.....
۳۵	کتابنامه.....
۳۷	زن در آینه‌ی نگاه مولانا و متنبی.....
۳۷	چکیده.....
۳۹	مقدمه.....
۴۱	متنبی، مولانا و زن.....
۴۳	زن گوهر نهفته‌ی عشق.....
۴۴	نتیجه گیری.....
۴۶	کتابنامه.....
۴۷	تأثیر اکولوژی عراق بر آثار و اندیشه‌های سعدی شیرازی.....
۴۷	چکیده.....
۴۹	۱. مقدمه.....
۵۰	۲. اکولوژی.....
۵۳	۲. سعدی.....
۵۸	۳. اشکال تأثیر پذیری سعدی از زبان عربی و زندگی در آن سرزمین.....
۵۸	۳-۱. تأثیر پذیری از قرآن.....
۶۰	۳-۲. تأثیر پذیری از نهج البلاغه.....
۶۲	۳-۳. اثر پذیری از شعر شاعران عرب.....
۶۴	۴. عربی در بافت لفظی گلستان.....
۶۴	۴-۱. استفاده از واژه‌های عربی.....
۶۵	۴-۲. استفاده از ترکیبات عربی.....
۶۵	۴-۳. وجود جملات عربی.....

مجموعه مقالات اولین همایش بین المللی میراث مشترک ایران و عراق / ج ۱۵ ۹

۵. عربی در بافت معنوی گلستان.....	۶۵
۶. استفاده از اسالیب عربی در عبارات فارسی.....	۶۶
۴. نتیجه.....	۶۹
منابع.....	۷۰
۷۱..... بررسی سبک عراقی در سه غزل سنایی بر پایه نقد فرمالیستی.....	۷۱
چکیده.....	۷۱
مقدمه.....	۷۳
پرسش های اصلی پژوهش.....	۷۷
فرضیه های پژوهش.....	۷۷
اهداف پژوهش.....	۷۸
پیشینه ی پژوهش.....	۷۹
روش و قلمرو پژوهش.....	۸۰
نگاه کلی به مختصات سبک عراقی.....	۸۰
تحول سنایی عارف در غزل.....	۸۲
غزلیات سنایی.....	۸۲
دیگر تحولات حکیم سنایی در شعر فارسی.....	۹۲
نتیجه گیری.....	۹۳
کتابنامه.....	۹۶
۹۷..... هجا و علل هجویه سرایی نزد ابن رومی.....	۹۷
چکیده.....	۹۷
۱. تعریف مسأله.....	۹۹
الف. مقدمه.....	۹۹
ب. سؤالات تحقیق.....	۱۰۱

- ج. فرضیه‌های تحقیق..... ۱۰۲
- د. اهداف تحقیق..... ۱۰۲
- ه. پیشینه تحقیق..... ۱۰۳
۲. ابن رومی..... ۱۰۴
- ۱-۲. زندگی فردی..... ۱۰۴
- ۲-۲. زندگی اجتماعی..... ۱۰۴
۳. محیط اجتماعی: عامل شکل دهنده شخصیت ابن رومی..... ۱۰۵
۴. ویژگی‌های شخصیتی ابن رومی..... ۱۰۶
۵. محرومیت ابن رومی..... ۱۰۷
۶. موضوع هجویات ابن رومی..... ۱۰۸
- ۱-۶. عیوب و صفات جسمانی..... ۱۰۹
- ۲-۶. هجو متکبران..... ۱۱۱
- ۳-۶. تشبیه فرد هجو شده به حیوانات..... ۱۱۱
۷. شخصت اجتماعی و ضد اجتماعی ابن رومی..... ۱۱۳
- نتیجه گیری..... ۱۱۴
- پی نوشت‌ها..... ۱۱۴
- منابع و مآخذ..... ۱۱۶
- خیام در شعر معاصر عراق..... ۱۱۷
- چکیده..... ۱۱۷
- مقدمه..... ۱۱۹
- ترجمه رباعیات خیام..... ۱۲۱
- آقای معظم فاضل علامه..... ۱۲۲
- نمونه‌هایی از رباعیات خیام همراه با ترجمه احمد صافی النجفی..... ۱۲۴
- نمونه‌هایی از ترجمه زهاوی از رباعیات خیام..... ۱۲۸
- تأثیرپذیری از خیام..... ۱۲۹

مجموعه مقالات اولین همایش بین المللی میراث مشترک ایران و عراق / ج ۱۵ ۱۱

نتیجه ۱۴۱

منابع و مأخذ ۱۴۴

فلسفه مرگ و زندگی در آینه ادبیات ایران و عراق ۱۴۵

چکیده ۱۴۵

مقدمه ۱۴۷

۱. بررسی افکار خیام و زندگی او ۱۴۸

۱-۱. زندگی خیام ۱۴۸

۱-۲. لذت نگری (میگساری) ۱۴۹

۱-۳. خیام و بدبینی ۱۵۱

۱-۴. خیام زندیق ۱۵۲

۱-۵. جبر و اختیار ۱۵۳

۲. بررسی افکار و زندگی ابونواس ۱۵۴

۲-۱. زندگی ابونواس ۱۵۴

۲-۲. لذت نگری (میگساری) ۱۵۴

۲-۳. ابونواس و بدبینی ۱۵۶

۲-۴. ابونواس و زندقه ۱۵۷

۲-۵. زهد ابونواس ۱۵۹

۳. وجوه اشتراک افکار خیام و ابونواس ۱۶۱

۴. وجوه اختلاف خیام با ابونواس ۱۶۴

نتیجه گیری ۱۶۶

کتابنامه ۱۶۸

بررسی تاثیر خیام در اندیشه های عبدالوهاب البیتای و بدر شاکر السیاب ۱۷۰

چکیده ۱۷۰

۱۷۳	مقدمه.....
۱۷۵	اندیشه خیامی.....
۱۷۶	خیام در ادبیات جهان.....
۱۷۷	خیام در ادبیات عربی.....
۱۷۸	خیام در شعر عبدالوهاب البیاتی.....
۱۸۵	اندیشه های خیام در شعر سیاب.....
۱۸۸	نتیجه گیری.....
۱۹۰	کتابنامه.....

۱۹۳	جلوه های تیسفون و مدائن، در آینه شعر خاقانی.....
۱۹۳	چکیده.....
۱۹۵	بیان مساله.....
۱۹۶	پیشینه تحقیق.....
۱۹۸	مقدمه:.....
۲۰۰	کلیاتی در باره خاقانی.....
۲۰۵	جایگاه تیسفون.....
۲۰۹	خاقانی و ایوان مدائن.....
۲۱۰	ایوان مدائن و پیشینیان خاقانی.....
۲۱۲	نتیجه گیری.....
۲۱۴	کتابنامه.....

۲۱۷	بررسی تطبیقی خمیره سرایی در اشعار منوچهری دامغانی و ابونواس.....
۲۱۷	چکیده.....
۲۱۹	مقدمه.....
۲۲۰	زندگی نامه منوچهری دامغانی.....

۲۲۲	زندگی نامه ابونواس
۲۲۴	شراب در ادبیات فارسی
۲۲۶	خمريات در ادبیات عربی
۲۲۷	بررسی مضامین مشترک و تأثیر پذیری این دو شاعر از همدیگر
۲۲۸	تطبیقات
۲۲۸	تطبیق یک. اسامی شراب در شعر عرب
۲۳۰	تطبیق دو
۲۳۱	نتیجه گیری
۲۳۲	کتابنامه

زن در آینه‌ی نگاه مولانا و متنبی



حمد برخان^۲

کد شماره: ۴۴۹



زهرا صادقی^۱

کد شماره: ۴۴۵

چکیده:

زن در عرصه‌ی هستی فارغ از مکان و زمان و نژاد همیشه سرشار از عشق بوده است. زن آفریده‌ای مقدس می‌باشد که وجودش عجین با شور و محبت است که در ادبیات امروز و گذشته به عنوان موجودی پرمحبت معرفی شده و با عشق دلبستگی خاصی برقرار نموده است که در دیوان شاعران نمود خاصی دارد. مولانا به زن نگاهی دوسویه دارد. گاهی اهریمنی و گاه اهورایی. زن در اشعار مولانا از سویی نماد عشق الهی، روح، جان، زمین و رویش است و از سوی دیگر نماد جسم، نفس، دنیا و حرص. البته این نمادپردازی‌های مختلف، ناشی از دوگانگی نگرش مولانا به زن است که ریشه در فرهنگ تاریخی مسلمانان دارد. متنبی نیز در اشعار خود زن را الگویی برای تمام زیبایی‌ها می‌داند اما آن‌گونه که مولانا به شخصیت زن توجه دارد نیست و از

۱. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان؛ ۰۹۳۰۳۳۸۶۶۰۶ z.sadeghi96@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

بسامد پایین تری برخوردار است. در مقاله‌ی حاضر میزان توجه مولانای پارسی و متنبی به شخصیت زن نشان داده شده است. هدف از این مقاله بررسی کیفیت حضور و نقش زن و بازتاب آن در اشعارشان بوده است. این دو شاعر شخصیت زن را ستوده‌اند و گذشته از سایر خصوصیات وی او را قابل ستایش می‌دانند. در این پژوهش سعی بر این قرار گرفته تا دیدگاه این دو شاعر بزرگ مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: زن، مولانا، متنبی، شعر

مقدمه

حضور زن در جامعه، در نقش مادر و یا معشوقه در ادبیات بازتاب بسیار گسترده‌ای دارد؛ و از این دیدگاه گاهی بر مرد برتری یافته است. اگرچه ادبیات فارسی و عربی ادبیات مردانه است اما شاعران گاه به ناچار و از روی بی میلی در برابر زنانی که در طول تاریخ برتری خود را ثابت کرده‌اند زبان به تحسین گشوده‌اند. به گفته متنبی مونث بودن عیب نیست چنان که نه مونث بودن نام شمس برای خورشید عیب است و نه مذکر بودن نام هلال برای ماه افتخار.

مولانا در عصری می‌زیسته که زن در آن جایگاهی نداشته است. مردم آن زمان زن را نجس می‌دانسته، از دیدگان پنهان داشته و او را محصور می‌کردند و مورد سوء استفاده قرار می‌دادند. حال در این زمان مولانا به زن از دیدگاه دیگری نگاه می‌کند. وی زنان را مخفیانه به اجتماعات نمی‌پذیرد. بلکه محصور ماندن زنان را در خانه کاری عیب می‌شمارد. لازم به ذکر است که مولانا با زندگانی خود ثابت کرده است، که تفکراتش متکی به تفکر سالم اوست نه متکی به هوای نفس. چرا که آن زمان مردهای بسیاری بوده‌اند که چندین زن را به همسری می‌گرفته‌اند. ولی مولانا تنها پس از مرگ همسرش (گوهر خاتون) زن دیگری را به همسری برگزید و قبل از وی درگذشت.

برخلاف دیگران که می‌اندیشند که ترك زن و فرزند لازمه سلوك روحانی است، مولانا ترك زن و فرزند و حتی مال و کسب را لازمه سلوك روحانی نمی‌بیند. و ترك این گونه تعلقلت را زمانی لازم می‌داند که انسان به سبب آن از خداوند و آنچه برای اتصال

به اوست فاصله بگیرد. تعلق به زن و فرزند اگر تمام قلب سالک را فراگیرد به گونه‌ای که دیگر جایی در آن برای خدا باقی نماند. باعث نابودی قلب سالک می‌شود، و باید از آن دوری جست.

او درباره‌ی ممدوح زن نیز می‌گوید: اگرچه او زن آفریده شده ولی چنان بزرگوار آفریده شده است که پندار و کردارش زنانه نیست. متنبی زنان ممدوح خود را به خاطر ویژگی‌های والای انسانی برتر از مردان معرفی می‌کند. زن در شعر عربی در اجتماع حضور دارد به جز در غزل‌های عذرائی یا همان شهری که در آن به عشق خیالی پرداخته می‌شود و این نوع در ادبیات عرب بسیار کم است زیرا محیط زندگی عرب اقتضا می‌کند که زن در آن نقش حقیقی داشته باشد. (شمیسا: ۲۴۹، ۱۳۷۰) از این رو متنبی از مادر و خواهر و زنان وزرا و امرای عصر خود و از صفات زنان سخن گفته است.

زن در اشعار مولانا از سویی نماد عشق الهی، روح، جان، زمین و رویش است و از سوی دیگر نماد جسم، نفس، دنیا و حرص. البته این نمادپردازی‌های مختلف، ناشی از دوگانگی نگرش مولانا به زن است که ریشه در فرهنگ تاریخی مسلمانان دارد. نمادها بازگوکننده عقاید نمادپردازان است. از آن جا که عقاید اجتماعی و نیز نگرش مولانا به زن، دارای دو جنبه منفی و مثبت است و از سوی دیگر زن نیز دارای ویژگی‌ها و ابعاد مختلف است، نماد آن در اشعار مولانا، مدلول‌های متعدد و گاه مخالف پیدا می‌کند، در بسیاری از آثار مولانا دلایلی سترگ بر نگاه خوش بینانه او نسبت به زنان وجود دارد اما از این نمادهای مثبت که بگذریم، زن از دیدگاه مولانا نماد نفس در معنای منفی هم هست. مولانا نفس انسان را زن و عقل او را مرد می‌داند و مخالفت زن و شوهر را در نزاع و مشاجره خانوادگی به مخالفت نفس با عقل تأویل می‌کند.

گاه زن نماد عشق الهی است. عشق و محبت، اکسیر حیات است و بهانه بودن؛ و اگر عشق نبود، هیچ نبود. حتی کسانی که از عشق بی بهره‌اند، ادراکی از تهی بودن سینه خود داشته و می‌فهمند که چیزی از حیات کم دارند. این معنا در جهان بینی عرفانی که آثار مولانا نمونه‌های درخشان آن است، ژرف‌تر و لطیف‌تر بیان می‌شود.

عرفا معتقدند که اصل همهٔ محبت‌ها حضرت حق است و از اوست که محبت در همه هستی جاری و ساری می‌شود. بنابر این دیدگاه، مهر و محبت میان زن و مرد هم قطره‌ای از دریای بی کران محبت الهی است.

شاید بیشتر افراد در نگاه اول چنین می‌پندارند که زن در آثار مولانا تنها نمادی از نفس گمراه کننده است اما در حقیقت آنچه در این نوشته به آن می‌پردازیم، از نگاه نسبی مولانا به جایگاه زن حکایت می‌کند به گونه‌ای که اگر زن در جایی خطاکار محسوب می‌شود، در جایی دیگر وجودش پلی است برای رسیدن به حق تعالی.

متن‌بی، مولانا و زن

از منظر مولانا، مادر سرچشمه‌ی هستی و انگیزه برای زندگی است که بدون او هیچ موجودی پا به عرصه‌ی وجود نمی‌گذارد و باز بدون او انسان به عاطفه‌ی ناب انسانی دست نمی‌یابد. (یزدانی: ۹۶، ۱۳۷۸)

مولانا در دفتر ششم نیز این گونه بیان می‌دارد:

رحمت مادر اگر چه از خداست خدمت او هم فریضه هم سزااست

(مولوی: ۸۵، ۱۳۷۲)

عشق گسترده در نظر مولانا پیوسته با مادر نقش می‌گیرد؛ زیرا عشق همان مادری است که پیوسته فرزند خود را مورد حمایت خویش قرار می‌دهد و او را از عشق خویش سیراب می‌کند.

متن‌بی هم از زن در مقام مادر این گونه سخن می‌گوید:

از نظر متن‌بی مقام مادر یکی از مقدس‌ترین مقام‌هاست. با وجود این که او در کودکی از نعمت مادر محروم شد اما در بزرگداشت مقام مادر می‌گوید:

لَئِنْ لَدَى يَوْمِ الشَّامِتِينَ يَوْمِهَا لَقَدْ وَلَدَتْنِي لِأَنْفِهِمْ رَغْمَا

(دیوان/جلد ۲/۴۵۷)

هرگاه دشمنان از مرگ مادر بزرگم خوشحال شوند و شماتت کنند آنها را در خاک
ذلت و قهر و غضب می اندازم.

مولانا زن را به عنوان نفس این گونه نشان می دهند: نفس به عنوان یک عامل زنانه
باید تسلیم عقل شود، عقلی که وظیفه دارد آن را رام کند و تعلیم دهد. به همین دلیل در
بسیاری از نوشته های مولانا، نفس به عنوان مادر بشر و عقل به عنوان پدر بشر ظاهر
می شود. (شمیل: ۱۳۸۱، ۸۸)

چنان که در ابیاتی از دفتر چهارم از پدر به عنوان عقل و مادر سرشار از اغماض در
فرستادن طفل به مدرسه سخن می رود.

تا رهد جان ریزه اش زان شوم تن	خود صلاح اوست آن سرکوفتن
تا ز تو راضی شود عقل و صلاح	واستان از دست دیوانه سلاح
دست او را ورنه آرد صد گزند	چون سلاحش هست و عقلش نه، بیند

(دیوان/جلد ۲/۴۷۷)

او در جایی زن را نمودی از نفس و دنیا می داند. چنان که در دفتر ششم به توصیف
آن می پردازد.

پیش رو آینه بگرفت آن عجوز	تا بیاراید رخ و رخسار و پوز
چند گلگونه بمالید از بطر	سفره ی رویش نشد پوشیده تر
عشرهای مصحف از جا می پرید	می بچسبانید بر روی آن پلید
تا که سفره ی روی او پنهان شود	تا نگین حلقه ی خوبان شود

(مولوی: ۱۳۷۲، ج ۶، ۶۵)

مولانا گاهی زن را در حد یک شیطان می داند:

چند با آدم، بلیس افسانه کرد	چون حوا گفتش بخور آنگاه خورد
اولین خون در جهان ظلم و داد	از کف قاییل بهر زن فتاد

(جعفری، ۴۹۷، ۱۳۶۶)

مولانا در تفسیر آیه‌ی (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ) (نساء: ۳۴) این چنین استدلال می‌کند:

فضل مردان بر زن ای حالی پرست زن بود که مرد پایان بین ترست

مرد کاندرا عاقبت بینی خیمست او ز اهل عافیت چون زن کمست

(مولوی: ۲۴۲: ۱۳۷۲)

بیشتر شاعران عرب و فارسی زبان در وصف زن از خلق و خوی مکر و حيله نام برده‌اند و آن را نفس نامیده‌اند و حتی دنیا را هم در ناپایداری به زن تشبیه کرده‌اند. متنبی هم در این مورد سخنی سروده:

فَذِي الدَّارِ أَخَوْنُ مِنْ مُوسٍ وَأَخْدَعُ مِنْ كِفِّهِ الْحَايِلِ

(دیوان/جلد ۲/۱۳۳)

این دنیا از زن زناکار خان‌تر و از دام و بندهای شکارچی نیز حيله گرتراست.

شِيمُ الْغَايَاتِ فِيهَا فَمَا أَذْ رِي لَذَا أَنْتَ اسْمَهَا النَّاسُ لَا

(دیوان/جلد ۲/۱۲۲)

خلق و خوی دنیا به عهد و پیمان به مانند خلق و خوی زنان جوان بسیار زیبا است.

زن گوهر نهفته‌ی عشق

یکی از برجسته‌ترین نقش‌های زن، حضور او در مقام معشوقی است.

مولانا درین باره می‌گوید:

حکمت حق در قضا و در قدر کرد ما را عاشقان یک‌دگر

جمله اجزای جهان زان حکم پیش جفت جفت و عاشقان جفت خویش

میل اندر مرد و زن حق زان نهاد تا بقا یابد جهان زین اتحاد

(جعفری: ۱۴۷، ۱۳۶۳)

متنبی از دوری از معشوق بیزار است:

وَمَنْ لِي يَوْمَ مِثْلِ يَوْمِ كَرِهَتْهُ قَرَّبْتُ بِهِ عِنْدَ الْوَدَاعِ مِنَ الْبُعْدِ

(دیوان/جلد ۱/۴۰۱)

چه کسی در روزی مانند روز جدایی که من از آن بیزار هستم، مال من است و من مثل آن روزی که به او نزدیک شدم و خداحافظی در آن طولانی است و عاشقان به خاطر طولانی بودنش آرزوی وداع می کنند، آن را آرزو می کنم.

از آن جا که متنبی همواره در طلب علو مقام و شیفته قدرت و قوت بوده است بعضی مواقع به همنشینی با زنان راضی نمی شود، شاید به همین دلیل است آن چنان که باید و شاید غزل در دیوان او زیاد نیست. او در اشعارش زن را با جنگ می آمیزد، معشوق او تن به عشق نمی دهد و او خود را چنان می پندارد که برای دستیابی به او در گرداب نبردی سخت و سهمگین افتاده است؛ گاه نیز جنگ را چون معشوقه ای می پندارد که فریفته ی جمالش شده است. چنان که در این اشعار در وصف زن این گونه می گوید:

محب کنی بالیض عن مرهفاته وبالحسن فی أجسامهن عن الصقل

(دیوان/جلد ۲/۱۳۲)

من عاشقی هستم که چون سخن از سپید رویان گویم، مرادم شمشیرهای تیز است و چون از زیبایی اندامشان سخن گویم مرادم شمشیرهای صیقل خورده است.

نتیجه گیری

زنان وارثان حقیقی محبت و عشق هستند و زندگی با نگاه پرمحبت آنان جریان می یابد. نگاه مولانا به زن نگاه نسبی و دوسویه است. گاه زن در آثار او پلی است از عشق مجازی به عشق حقیقی و نمایشگر جلوه ای از جمال حق تعالی که به حقیقت مقصود او از زن را بیان می کند.

گاهی نیز در اشعار او زن تنها به صورت رمز و تمثیلی برای درک بهتر پیام در نقش های

نمادین پست آورده شده، اما در هر صورت مولانا همواره زنان را ارج و احترام گذاشته است. متنبی هم اعتقاد دارد که مونث بودن برای زن عیب نیست و خلقت زنانه مانع از رفتار بزرگوارانه و کردار شجاعانه نمی‌شود. از نظر او معشوقگی برای زن مقام والایی می‌باشد. در نظر مولوی و متنبی مادر نعمت ارجمندی است که به زن هدیه شده است.

مولانا و متنبی وقار و عفاف زن را می‌ستایند. این دو شاعر بزرگ پیمان شکنی زنان جوان را در رفتار دنیای ناپایدار تصویر کرده‌اند و رفتار زشت زنان و بی وفایی دنیا را در یک شکل ترسیم کرده‌اند. از نظر آن‌ها زن مظهر زیبایی در آفرینش و خلقت است.

کتابنامه

۱. العکبری، ابی البقاء، ۱۹۹۷، دیوان ابی الطیب المتنبی، ج ۱ و ۲، لبنان، بیروت: انتشارات دارالقلم، الطبعة الاولى
۲. جعفری، محمد تقی، ۱۳۶۶. تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، جلد نهم، چاپ دهم، تهران: انتشارات اسلامی
۳. شمس، آن ماری، ۱۳۸۱: زن در عرفان و تصوف اسلامی، ترجمه‌ی فریده مهدوی دامغانی، ج ۲، تهران: انتشارات تیر
۴. شمیسا، سیروس، ۱۳۷۰، سیر غزل در شعر فارسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات فردوس
۵. مولوی، محمد، ۱۳۷۲، مثنوی معنوی، به تصحیح و شرح محمد استعلامی، ج ۱ و ۶: تهران، انتشارات زوار
۶. یزدانی، زینب، ۱۳۷۸، زن در شعر فارسی (دیروز و امروز) چاپ اول، تهران: انتشارات فردوس